

پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۷
۲۶ دی القعه ۱۴۳۹
۹ اگوست ۲۰۱۸
سال شانزدهم، شماره ۴۱۵۶

دیدگاه

sport@etemadnewspaper.ir

ورزش

۱۵

سربال گفت‌وگو

خاطرات و نظرات منصور برزگر (۱)

هر گز تختی رانیدیم/سه بار با موحد کشتی گرفتیم

داشتند که همگی صاحبانم و جایگاه بودند.

■بله،اما به هر حال این نسل از کشتی بود که برای اولین بار در المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی به‌مقام‌وجایگاه رسید و شناخته‌شد: المپیکي که در آن آقا تختی و دیگر هم تیمی‌هایش صاحب‌مدال شدند.

در تیمی که به‌المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی رفت عباس زندی حضور داشت. او قبل تر و در تیم اعزامی به المپیک ۱۹۴۸ لندن هم بود. در واقع در کشتی افرادی هستند که رابط‌بین نسل قبلی و بعدی خود هستند و بین دو نسل قرار می گیرند.در تیمی که به لندن رفته بود افرادی چون منصور ریسی، منصور رحیمی‌ها، حسن سعدیان، علی غفاری، عباس زندی،عباس حریری، منصور میرقوامی و ابولقاسم سخدری با هدایت صائم اریکان مربی تر کیه‌ای حضور داشتند.به‌عنوان مثال در ادامه عبدالله موحد با آقا تختی به مسابقات جهانی و المپیک می‌رود و با آن نسل بود و بعد هم که من وارد کشتی شدم آقا ی موحد در کشتی حضور داشت و باخون من چندبار کشتی گرفت.

■البته ورزش ایران در المپیک لندن است که چهره مدرن به‌خودمی‌گیرد و بامدال برنز جعفر سلماسی در وزنه‌برداری سری در سرها در می آورد و وارد جدول المپیک می‌شود:اما کشتی در لندن بی‌مدال ماند.

من سال ۱۹۴۸ میلادی به دنیا آمدم؛ اما بعدا شنیدم که در گذشته تیمی از تر کیه به ایران آمده بود و بجز یک نفر که ۹ دقیقه روی بل می‌ماند و ضربه فنی نمی‌شود، تمام کشتی‌گیران ماقابل نمایندگان تر کیه‌ضربه‌فنی شدند. آن یک نفر هم که ضربه‌نمی‌شود کسی نبود جز حبیب‌الله بلور. از آن زمان این موضوع که یک روز تیم کشتی ایران برود و در تر کیه تیم این کشور را شکست دهد تبدیل به آرزومی‌شده که البته در ادامه این آرزو تحقق پیدا می‌کند و ما با تر کها فاصله زیادی هم پیدا می‌کنیم. البته تر ک‌ها به خاطر نفوذی که در فدراسیون جهانی داشتند حق بسیاری از کشتی‌گیران ایرانی را ناحق کرده‌اند. آن زمان صائم اریکان مربی تر کیه‌ای برای آموزش کشتی کلاسیک به خدمت کشتی ایران در می‌آید و پایه کشتی‌مدرن در واقع از اینجا بود که در ایران گذاشته می‌شود. بعدها هم آندر برگ سوئدی چند صبحی در ایران مربیگری کرد.

■ گفتید با عبدالله موحد کشتی گرفتید؟ چند بار با آقا ی موحد سرشاخ‌شدید؟

من سه بار با آقا عبدالله کشتی گرفتیم و هر سه بار باختیم. اولین بار انتخالی المپیک‌مکزیک بود که با یک خاک‌مغلوب اوشدم. دومین بار انتخالی مسابقات کانا‌دو بود و سومین بار در کاپ آ ریامهر بود. یک بار دیگر هم باز در کاپ آ ریامهر به هم برخورد کردیم؛ اما آنجایی که موحد از قسمت ران آسیب دیده بود و من با او کشتی نگرفتم. این در حالی بود که هر دو قبل از آن با غلامی کشتی گرفته و مساوی کرده بودیم؛ اما هر کاری کردند من حاضر نشدم با آقا عبدالله کشتی بگیرم.

■ جالب اینکه شمار کور دار قهرمانی در کاپ آ ریامهر هست.

من پنج بار قهرمان کاپ آ ریامهر شدم. عبدالله موحد چهار بار در این جام قهرمان شد. البته بعدها که این جام به ۲۲ بهمن تغییر نام داد، خیلی‌ها آمدند و به قهرمانی‌های زیادی در این مسابقات رسیدند؛ اما خوب تا وقتی که نام مسابقات کاپ آ ریامهر بود من بیشترین قهرمانی را داشتم.

ادامه دارد



سرخا خبرها
■ چکی تاپیار رییس فدراسیون فوتبال آرژانتین در مصاحبه با تیک اسپورس فاش کرد که با گوار دیولا برای پذیرفتن هدایت این تیم مذاکره کرده اما نتیجه‌ای حاصل نشده است. «واقعیت این است که بله، با گوار دیولا صحبت کردم اما خیلی زود متوجه‌شدم که امکان جذب او وجود ندارد.» بنابر اعلام مدیرعامل استقلال خوزستان انتقال مهاجم جوان این تیم به آیند هوون هلند قطعی شده و هیچ مانعی به سر آن وجود ندارد.
■ مسوولان هتل محل اقامت بازیکنان سپیدرود شت باگرو گرفتن کارت‌بازی بازیکنان به دلیل پرداخت‌نشدن طلبش، اجازه‌داد اعضای این تیم از هتل خارج شوند. همین امر باعث شد سپیدرودی‌ها روز پوارز جابجاءند.
■ علی دایی در کنفرانس خبری پیش از بازی تیمش با ذوب‌اهن در واکنش به صحبت‌های نماینده کرمانشاه مبینی بر نقاط مبهم کمک‌های او به زلزله‌زدگان گفت: این آقا که نماینده منطقه بوده و با امن مقایسه کنید و ببینید من حرف خود عبور کند و به مرحله نهایی برسد.

برنامه مسابقات		
هفته سوم لیگ برتر ایران		
پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۷		
گسترش فولاد – سپیدرود رشت	۱۸:۱۵	
سایا – ذوب آهن	۲۰:۳۰	
استقلال خوزستان – پرسپولیس	۲۰:۳۰	
نساجی مازندران – پارس جنوبی جم	۲۰:۳۰	
جمعه ۱۹ مرداد ۱۳۹۷		
پدیده – صنعت نفت آبادان	۲۰:۰۰	
نفت مسجد سلیمان – فولاد	۲۰:۳۰	
استقلال – تراکتورسازی	۲۰:۳۰	
سپاهان – پیکان	۲۰:۳۰	

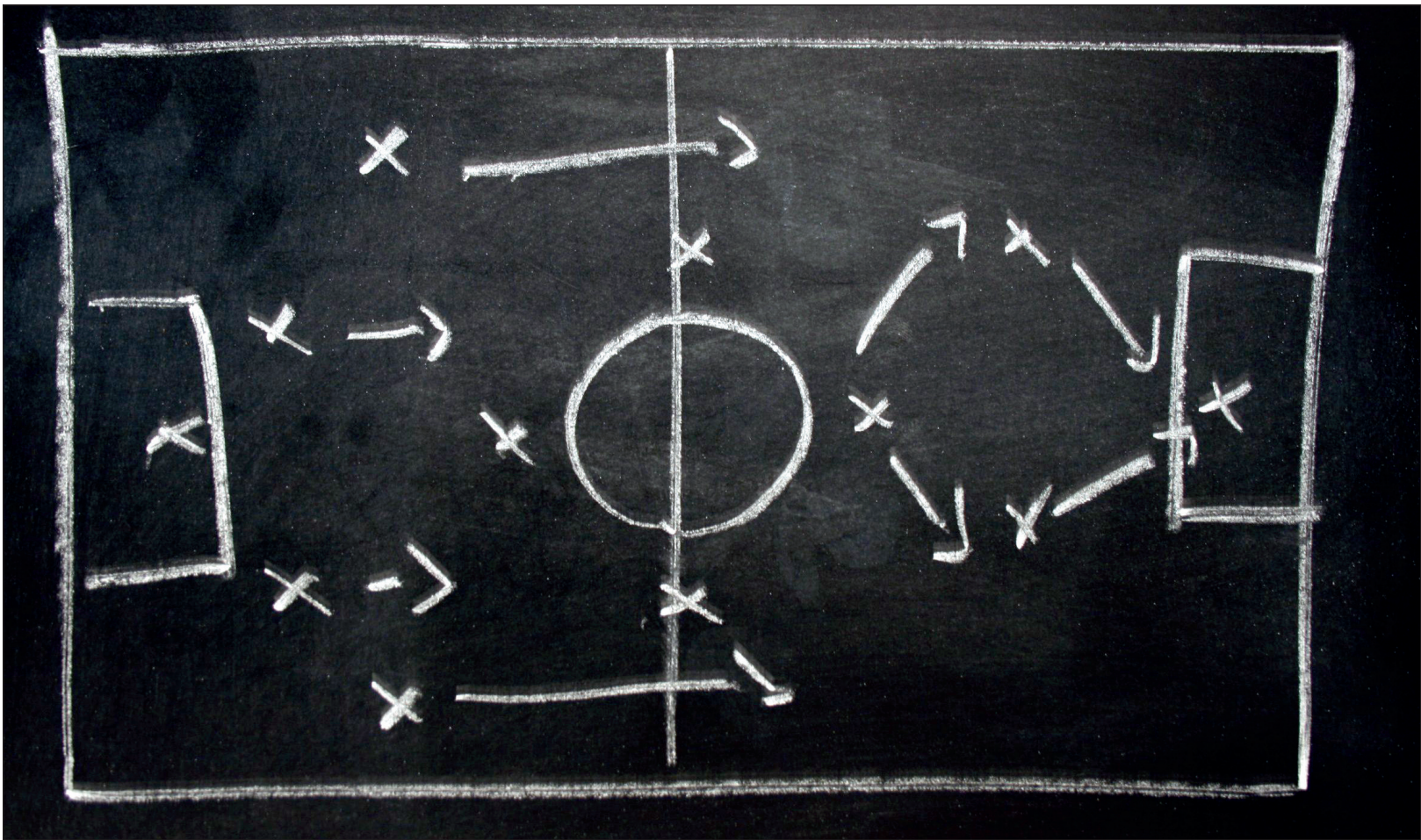
وحید جعفری

منصور برزگر؛ خان است؛ اما جان می‌دهد برای کشتی. او در دوره‌ای که ورزش ملی ایران با کود مواجه شده و کمتر در میادین بین‌المللی می‌درخشید، تبدیل به تک‌ستاره کشتی ایران شده بود که به تنهایی چور هم تیمی‌هایش را می‌کشید و دست‌پراز مسابقات مختلف به ایران بازمی‌گشت. او حدود یک دهه ستاره بی‌چون و چرای کشتی ایران بود، از همین رو در در و داعش با کشتی که یکی از باشکوه‌ترین خداحافظی‌های تاریخ ورزش ایران بود، همه افرادی که در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی تهران حضور داشتند همراه او گریستند. برزگر که برای کشتی‌جان می‌داد، بلافاصله بعد از خداحافظی ردای مربیگری کشتی را بر تن کرد و شد منصور خان کشتی ایران که حدود سه دهه همه چیز در کشتی ایران به نوعی به او ختم می‌شد. در آن سال‌ها حرف مرد چشم‌زاغ کشتی ایران برای بسیاری حجت بود و خیلی‌ها روی حرف او حرف نمی‌زدند. کشتی ایران در تمام سال‌هایی که منصور برزگر هدایت آن را بر عهده داشت، همچون خود او خاکستری بود، پر از سایه‌روشن‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌ها. او سال‌ها در راس ورزش اول ایران حضور داشت، شاگردان زیادی را تربیت کرد و مدال‌های بسیاری برای ورزش ایران به‌دست آورد؛ اما با این حال منتقدان خود را داشت و این هم طبیعی است. او درگوددار حضور در المپیک‌ها به عنوان سرمربی است. رسول خادم اولین مرد طلایی ورزش ایران در المپیک‌ها در تیمی که برزگر سرمربی‌اش بود به این مهم رسید. با پیر کشتی ایران که مرشد چند نسل از قهرمانان و خاک تشک خورده‌های کشور مان بوده گفت‌وگویی بلند بالا داشته‌ایم که هر روز بخشی از آن را می‌توانید در همین ستون بخوانید.

■هم‌دوره‌های منصور برزگر همیشه در باره غلامرضا تختی حرف می‌زنند و از خاطرات مشترک با خود با جهان پهلوان می‌گویند؛ اما ظاهر اشما تا به حال آن طور که باید در باره تختی حرفی نزده‌اید. چرا؟
چون من اصلا تختی رانیدیم. البته سال ۱۹۶۶ که آخرین کشتی‌اش بود به سالن رفتیم، باتوم هم خوردیم؛ اما انقدر شلوغ بود که نتوانستیم داخل سالن شویم. کشتی را ببینیم برای همین اصلا تختی رانیدیم. بعد از آن مسابقات تختی به فوتبالت ایران می‌آوریم، از اشتباهات بازیکنان تعجب می‌کنند. نقل است که وقتی جتی لوئید ساموئل فقید به استقلال پیوست، بازیکنان توان استوپ کردن پاس‌های او را نداشتند. چرا که او طبق عادت حضور در بالاترین سطح، مثل همیشه پاس می‌داد و در ایران با بازیکنانی رویه‌رو شده بود که از استوپ کردن پاس‌های استاندارد هم عاجزند. فقدان بازیکن‌های فوق تخصصی به تیم ملی هم رسیده و شاهد این هستیم که یک هافبک دفاعی تبدیل به مدافع میانی می‌شود و یک هافبک بازی‌ساز، در پست هافبک نگه‌دارنده بازی گرفته می‌شود. حتی بازیکنی که در باشگاهش همیشه مهاجم نوک است در تیم ملی به عنوان وینگر به کار گرفته می‌شود. همه این تغییرات در نهایت روی عملکرد بازیکن در زمین تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود او نتواند تمام داشته‌هایش را به هر حال در فوتبال پایه و به خصوص از دوران زیر ۱۷ سال، بازیکنان با پست تخصصی که قرار است ادامه فوتبالت‌شان را در آن بوزیشتن پشت سر بگذارند آشنا می‌شوند. بنابراین حال پیشرفت است و فوتبال ایران هنوز با اصول پایه‌ای این ورزش آشنا نشده‌است. مدارس فوتبال باید قوی‌تر و بهتر مدیریت شوند و مربیان تر جی‌حادر خارج از کشور با متدهای روز آموزش فوتبال آشنا بشوند.

■ یعنی شما از تباطلی بانسل کشتی‌گیرانی چون آقا تختی نداشتید؟ اصلا منصور برزگر خود را متعلق به کدام نسل کشتی می‌داند؟

من برای نسل بعد از آقا تختی، امامعلی حبیبی، عباس زندی و ... هستم؛ نسل شناخته‌شده‌ای که همه می‌شناسند. البته قبل از آقا تختی و آن نسل مدال‌بگیر هم کشتی‌گیران قدرتمندی وجود



جاماندن ایرانی‌ها از تاکتیک‌های روز

فوتبال عمومی و پست‌های فوق تخصصی

منفاوتی تمرین کند. دفاع چپ راست با در فوتبال مدرن

وجود خارجی ندار. معمولاً تیم‌ها هر کدام دو بازیکن در هر پست تخصصی دارند و اگر اتفاق خاصی رخ بدهد؛ بازیکنن جایگزین استفاده می‌کنند. مثلاً زیدان گاهی مجبور می‌شد از ناچو در دفاع چپ هم استفاده کند، اما تحت هیچ شرایطی او را به یک دنیای خیلی جدید، یعنی هافبک دفاعی نبرد. در استقلال هم می‌بینیم که وریا غفوری در بعضی بازی‌ها دفاع راست است و در برخی دیگر از بازی‌ها وینگر راست. شاید مقایسه درستی نباشد، اما در ژال مادریده هرگز مارسلو در پست وینگر چپ قرار نخواهد گرفت، با وجود اینکه توانایی‌های زیادی برای آن پست را دارد. بازیکن‌ها باید در طول فصل و در جریان تمرینات، کار تخصصی‌ای که لازم است انجام دهند را انجام بدهند. پرسپولیس تا ۲ سال پیش در کنار براتکو دستیارانی می‌دید که بازیکنان را به دو یا سه دسته متفاوت تقسیم می‌کردند و هر کدام به صورت جداگانه زیر نظر یک مربی خاص تمرین می‌کردند. اما حالا آن دستیاران از کنار براتکو رفته‌اند. در فوتبال مدرن علاوه بر دروازه‌بان‌ها، هر کدام از پست‌ها نیاز به این دارند که یک مربی تخصصی داشته باشند. در ایران اما تنها دروازه‌بان‌ها یک مربی جدا دارند و سایر بازیکنان زیر نظر سرمربی فعالیت می‌کنند.

فوتبال ایران شرایطش مانند یک بیمارستان است که همه د کتر عمومی و پرستار هستند، با وجود اینکه آنها توانایی هندل کردن کارهای عادی را تا حدود زیادی دارند، اما در برخی مواقع و موارد خاص، کاری از دست‌شان بر نمی‌آید. یک بیمارستان خوب نیاز به این

پست‌های تخصصی خود، به سطح فوق تخصصی برسد، ارزش بالاتری پیدا می‌کنند، وضعیتی مثل سطح بندی پزشکان. بازیکنانی که در پست خاص خود به بهترین سطح برسند، فوق تخصص آن پست لقب می‌گیرند. در ژال مادرید بازیکنی مانند کاسمیرو وجود دارد که یک فوق تخصص در پست هولدینگ می‌دفلر است. بوسکتس و ویدال در بارسا دو نوع متفاوت از هافبک دفاعی هستند که با توجه به برنامه‌های مربی هر کدام می‌توانند به تیم کمک کنند. انگولو کاتنه هم یکی از بازیکنان فوق العاده در این پست است. تیم‌هایی بدون هافبک دفاعی فوق العاده، کاری بسیار سخت برای قهرمانی در تورنمنت‌هایی مثل لیگ قهرمانان دارند. زیتو در مصاحبه معروفی که انجام داده به خوبی نقش خود را در خط میانی تیم ملی برزیل در اواخر دهه ۵۰ و ۶۰ دهه ۶۰ وصف می‌کند: «در زمان من «Holding midfielders» وجود نداشت. هافبک‌ها به معنای واقعی هافبک بودند. آنها این آزادی را داشتند تا در مواقع لزوم حمله کنند و در مواقع لزوم نیز به خط دفاعی اضافه شوند. هر هافبک در خط میانی تمام وظایف دفاعی و هجومی را در کنار هم عهده‌دار بود و همه کارها را باید انجام می‌داد.» در واقع او از دورانی صحبت می‌کند که فوتبال هنوز اینقدر تخصصی نشده بود.

اما عجیب اینکه در فوتبال ایران، بسیاری از بازیکنان هنوز حتی که پست تخصصی هم ندارند. حسین هاشمی در پرسپولیس واقعاً پستش معلوم نیست. دفاع راست، دفاع چپ یا هافبک دفاعی. این پست‌ها هر کدام نیاز به تخصصی خاص دارند و بازیکن باید در شرایط

کزارش - ۲

کور توآ، کپا و نواس

مثلث غیر قابل پیش‌بینی



که البته خوش‌یمن بود و این تیم به افتخارات تاریخی مهمی رسید. عملکرد کیلور نواس در بازی‌های تحت فشار فوق العاده بوده و اگر از چند اشتباهش چشم‌پوشی کنیم، نقش کلیدی به‌خصوص در وقهرمانی اخیر ژال در لیگ قهرمانان داشت. حالا اما نواس جایگاهش را از دست می‌دهد. او احتمالاً گلر فیکس تیم در بازی‌های کم اهمیت مثل بازی‌های جام حذفی باشد. اما آیا ژال و اعزاز این انتقال سود کرده؟ کور توآ چقدر از نواس بهتر است؟ از نظر آماری، در سال گذشته نواس گلر بهتری از کور توآ بوده. او سیهوهای بیشتری داشته و همچنین توپ‌های بیشتری هم روی دروازه‌اش آمده است. اما در مجموع درصد سیهو بالاتری را ثبت کرد. کور توآ اساً دروازه‌بان جوان تری است و می‌تواند سال‌ها دروازه ژال را بیمه کند. اگر چند بازی ضعیف او در فصل گذشته را فراموش کنیم، در مجموع او سرمایه‌گذاری خوبی برای مادریدی‌ها به حساب می‌آید. شنیده می‌شود که کشتانی هامر ووز مبلغ ۳۵ پورو انتقال او را قطعی می‌کنند. اتلنیک بلبائو ۸۰ میلیون پورو از این انتقال سود کرد. چلسی یک گلر خوب نصیبش شد و ژال هم با یک قیمت معقول، یک دروازه‌بان خوب نصیبش می‌شود. این مثلث انتقالی، درصد سیهو بالاتری را ثبت کرد. کور توآ اساً دروازه‌بان دو تیم‌بزرگ چلسی و ژال را برای چندین سال تغییر داد. این مثلث انتقال را بود بین باشگاه‌های آس رم، رم، ژال و چلسی باشد، اما لیورپول وارد این ماجرا شد و گلر رم را مال خود کرد. رکورد گران‌ترین دروازه‌بان تاریخ در این تابستان دوبار شکسته شد. رکوردی که سال‌های سال دست بوفون بود و حالا بی‌دری شکسته می‌شود.

بهرام سرگوسرابی

با پایان دوران مرخصی و استراحت تیمو کور توآ، او باید در تمرینات چلسی حاضر می‌شد، اما از انجام این کار سر باز زد و با این عمل به صورت رسمی به باشگاه اعلام کرد که قصد ماندن ندارد. چلسی متوجه‌شد باید وارد یک جنگ بی‌فایده و ضررده با گلر بلژیکی بشود یا او را به صورت توافقی به باشگاهی که می‌خواهد، بفرشد. چلسی می‌توانست کور توآ را تنها بدیده بسکون نشینی کند، اما مشکل اینجا بود که او تنها یک‌سال قرارداد داشت، باید حقوقش را به صورت کامل پرداخت می‌کردند و همچنین اینکه او لیست بازیکن‌ها را بر می‌کرد. منطقی‌ترین کار فروش او به نظر می‌رسید. اما مساله اصلی اینجا بود که هیچ دروازه‌بان همه‌سطحی با کور توآ پیدا نمی‌کردند. تلاش‌هایی شد تا اوپلاک جذب شود، اما جدای از بحث مالی، خود بازیکن حاضر نمی‌شد اتلنیکو را ترک کند و به چلسی بپیاید. بنابراین در آخرین لحظات مدیران چلسی سراغ بازیکنی رفتند که تا ۶ ماه پیش در رادر ژال مادرید بود. کپا، دروازه‌بان جوان اسپانیایی اتلنیک بلبائو، از اینده‌دارترین گلرهای لالیگا بود و چلسی موفق شد با مبلغ ۸۰ میلیون پورو او را جذب کند. کپا آریز با لاگالا با این انتقال به گران قیمت‌ترین دروازه‌بان تاریخ دنیای فوتبال تبدیل شد.

هر چند هنوز هیچ چیز رسمی نیست، اما باید کور توآ را ژالی بدانیم و شاهد یک رقابت دشوار بین کیلور نواس و تیمو کور توآ باشیم. نواس از ابتدا هم برای نیمکت خریداری شده بود و اتفاقات روزگار به سمتی رفت تا سه سال پیاپی به عنوان دروازه‌بان اول ژال مادرید قاتح لیگ قهرمانان بشود. اولین اتفاقات مشکلات شدید کلسیاس با ستاره‌های اضافه شده به تیم‌شان همچنان دسته‌مایه‌طنز شد، پرس حاضر شود ضمن پرداخت نصف حقوقش، او را به پورتو قرض بدهد. نواس قرار بود یک فصل به صورت موقت گلر ژال باشد تا پس از آن داوید دخا خریداری شود. اما مشکل فکس باشگاه منچستر یونایتد باعث شد انتقال دخا در وایسین ثانیه‌های نقل و انتقالات منتفی بشود و ژال مجبور شود با نواس ادامه بدهد. ادامه داندی

کزارش - ۱

تلفات بازی تراکتور – استقلال

عبور از پیچ خطرناک



تنها دغدغه مربیان در این بازی شاید عدم هماهنگی ستارهای تازه اضافه‌شده به ترکیب باشد. تر کبیبی که باید دید برای چه هدفی به زمین بازی فرستاده می‌شود. گل‌زدن یا گل نخوردن؟ بردن یا باختن؟ تر کبیبی برای افزایش تلفات یا کاهش تلفات؟ استرس بازی این شک را در فوتبالی‌ها ایجاد می‌کند که هر دو مربی ابتدای بازی باختن تیم را راهی زمین بازی کنند. اما این طرز بازی ریسک بیشتر شدن قربانی‌ها را افزایش می‌دهد. چرا که همان‌طور که گفته‌شد، تساوی به نفع هیچ کدام از تیم‌ها نیست. شاید این جملهای کلیشه‌ای به نظر بیاید که معمولاً مربیان تیم‌ها قبل از بازی می‌گویند، اما این بار واقعاً مساوی نه در در شفر می‌خورد نه به درد توشاک. حالا اگر هر کدام از این تیم‌ها بخواهد دل به دریا بزند و برای برد و حمله به زمین برود هم وضعیتی خطرناک در انتظارش است. از دست دادن جانب احتیاط ممکن است به قیمت نابودی خود و نجات رقیب بینجامد. واقعاً شرایط سختی است! ایی‌های پایتخت که در فصول اخیر همیشه با مشکل عدم نتیجه‌گیری در آغاز فصل مواجه بودند اصلاً دل‌شان نمی‌خواهد خاطرات علی‌نصو برای‌شان تداعی شود. تراکتوری‌ها هم دوست ندارند با ستاره‌های اضافه شده به تیم‌شان همچنان دست‌مایه‌طنز تیم‌های رقیب قرار بگیرند و هر چه بیشتر احساس کنند که شبیه به استیل آدین شده‌اند. بهر روی این هفته نقطه عطف کار دو مربی با به‌سن گذاشت لیگ بر تر است. باید ببینیم کدام مربی می‌تواند با آنالیز بهتر و البته شجاعت بیشتر تیمش را راهی زمین کند تا به سلامت از این پیچ خطرناک عبور کند.

علی ولی‌اللهی

روز جمعه در ورزشگاه آزادی ساعت ۱۰:۳۰ شب، نتیجه‌ای رقم خواهد خورد که طبعاً شش از دو حال خارج نیست. دیدار تیم‌های استقلال و تراکتور سازی در شرایطی برقرار خواهد شد که این دو تیم بر طر فدار از دو بازی ابتدایی خود تنها دو امتیاز کسب کرده‌اند و همین اول راه از صدر جدول دور شده‌اند. تیم‌هایی که هنوز وارد بحران به معنای واقعی کلمه نشده‌اند اما اتفاقات بازی

روز جمعه می‌تواند شرایط را از حالت نرمال خارج کند. از دو حالتی که طبعاً بازی استقلال تراکتور خواهد داشت، یکی به حاشیه رفتن هر دو تیم در صورت تساوی است و دیگری به حاشیه رفتن تیم بازنده است. واضح است که گرفتن ۳ امتیاز از ۳ بازی ابتدای فصل برای تیم‌هایی که خودشان را برای قهرمانی بسته‌اند یا لالاق طرفداران‌شان این ادعا را دارند، نتیجه فوق العاده بدی است. از آن طرف اگر هر کدام از این تیم‌ها بیازد با دو مساوی و یک باخت تقریباً دچار همان شرایط می‌شود. با این تفاوت که تیم رقیب را از پیچ خطرناک عبور داده و این رها شدن رقیب رو در رو از حاشیه، بحران خودی را بیش از پیش بر جسته می‌کند.

این شرایطی که ترسیم کردم باعث شده استرس بازی استقلال و تراکتور چندین برابر شود. هم برای کادرفنی و هم برای بازیکنان. مربیان تیم گرچه هر دو خارجی هستند اما وضعیت فوتبال ایران آشنایی دارند. شفر که در درمیان خیلی‌زود تر از آنچه شفرش را می‌کنند مجبور شوند شعار «حیاکن‌هاکن» را تحمل کنند. حالا سوال اینجاست که مربیان چه تمهیدی برای برون رفت از این وضعیت اندیشیده‌اند؟ استقلال مشکل بارگیری‌اش در طول فصل نقل و انتقالات را در همین هفته گذشته تا حدی جبران کرد. نیموایر آلمانی، الحاجی گرونیچری‌های و مرتضی تبریزی به این تیم اضافه شدند تا کمبودهای تیم شفر از بین برود. تراکتور هم که بمب نقل و انتقالات را ترک کند و کاپیتان‌های تیم ملی را به تبریز کشاند.